



امروز با مولانا

در عشق تو هر حبله که کردم هیچ است / درمان که کند مرا که دردم هیچ است

برش

من هم جاری شدم

آنتوان دوست اکروبری |



رودخانهها به یاد می آورند که تشنه آب بریا برتن برهنه زمین یعنی چه آن وقت آن روزی من هم جاری شدم تمام تشنه آب تو را به جان خریدم روزی که دلم برای کوهها بسوزد در باهم

به خاطر دلش سر بالایی بود کتیبه ها خیال می یافند برای خود انگار تمام دنیا کف دست های آنهاست نمی خندد در سینه من پیامبریست که چشمان تو را قبله می کند که تمام دنیا را در انعکاس سنگه تو گم می کند پرشی از کتاب پیامبری که هر شب با یک بوسه می میرد و در هر صبح

بی مناسبت



به زنان جامعه باور داشته باشیم

زهرا نعمتی | سرمربی تیم فوتبال بانوان

طی کدهایم متأسفانه گاهی دیدهایم که بانوان ما در مقایسه با همجنسین خارجی خود دچار باس و نامیدی می شوند این موضوعی بسیار در ناکاست اما در واقعیت ماجرا این گونه نیست و من معتقدم که بانوان ما منتها چیزی که نم نازند بلکه دارای نیروهای عظیم در بخش های مختلف هستند مهم ترین موضوع در جامعه زنان ما هندکار بودن آنهاست زیرا زنان زمانی که کاری انتخاب و موضوعی را با هدفی خاص دنبال می کنند برای تسویه و تحقیر رساندن آن بهترین عملکرد را خواهند داشت تلاش مضاعفی می پذیرد و خدا نکند که روزی این بارگیری در امتداد فعالیت های نامناسب باشد در این میان موضوع حایز اهمیت خودباوری زنان است برخورد با بانوان خود باسوری یعنی که نبیسی از راه مورد نظر را

خارجی خود یک باور با یک قهرمان محسوب می شوند و بسیاری از موفقیت ها را در کارنامه خود دارند. صر فظن در همه اینها معضلات و ممانعاری های نیز وجود دارد معضلاتی که در تمام جوامع دیده می شود و بخش زیادی از افراد یک جامعه را با خود مرتبط می سازد این معضلات هست ما در این خود انتخاب انفرادی اهمیت است. اساس جامعه تعریفش همین است. مجموع افرادی که هر کدام از آنها انتخاب خود را دارند. من این موضوع را قبول ندارم که جامعه ای که دچار مشکلات زیاد است حتما افراد آن جامعه نیز باید دچار آن معضلات شوند قبول دارم که شرایط می تواند برای افراد سخت

اره زنان ایران همیشه زاندر خاص و عام بوده است عقیده دارم در نهان بانوان این کشور، محرکی وجود دارد که آنها را در بسیاری از مراحل پایه یا آفتابان به حرکت وامی دارد در بعضی اوقات حتی این موضوع بیشتر نیمی شود شادمانی در هر عصر از هر کسی و در هر شرایط. اثر مثبت دارد اما نکته ای که مهم و قابل توجه خواهد بود، انتخاب های است که زنان ایرانی بر می گزینند زیرا جامعه امروز تبدیل به بستری شده که برای تمامی فعالیت ها عضو می پذیرد و خدا نکند که روزی این بارگیری در امتداد فعالیت های نامناسب باشد در این میان موضوع حایز اهمیت خودباوری زنان است برخورد با بانوان خود باسوری یعنی که نبیسی از راه مورد نظر را

یک خبر یک نگاه

حریم سعدالسلطنه قزوین پارکینگ طبقاتی می شود

ساز دیگر حرم آثار باستانی در تبرس ساختوساز قرار گرفت و این پارک بخشی از خانه اسحاق ملاحیدالوهاب ششانی، بناگذاشته است. مسجدها، قزوین و همچنین حرم جمعه سعدالسلطنه و عرصه کاروانسرای وزیر و مدرسه محسنیه با ۱۰ ها کمبریسی و ویل مکتلیکی توسط شهرداری مورد تجار و شهرداری واقع شده در این مکان یک پارکینگ چندطبقه خواهد شد. به گزارش خبرنگار میراث فرهنگی، شهرداری قزوین با حکم دادستانی و باستاند به مصوبه کمیسیون ماده ۵ و موافقت رئیس اداره میراث فرهنگی استان قزوین در سال ۸۶ اقدام به گودبرداری برای ساخت یک پارکینگ طبقاتی کرده است. این حرکت شهرداری قزوین، در حالی است که مجموعه سعدالسلطنه در قسمت شمالی این پارکینگ طبقاتی قرار گرفته است. رئیس اداره میراث فرهنگی استان قزوین همچنین تأکید کرد، در حال حاضر گودبرداری شهرداری قزوین در بخشی از خانه تاریخی حاج ملاحیدالوهاب ششانی بنیان گذار مسجدان قزوین در حال انجام است و همچنین اعلام کرد، در حال حاضر مخالفت ها تملک سازی لغفی میراث فرهنگی برای جلوگیری از اقدام شهرداری قزوین به نتیجه نرسیده است. به طوری که شهرداری به هیچ وجه حاضر به عقب نشینی نیست. حال باید دید در چند روز آینده برای حفظ حریم این آثار باستانی چه تدابیری اندیشیده می شود و آیا شهرداری حاضر به عقب نشینی خواهد بود؟

امروز به چی فکر می کنی؟

نکار وی بی تو چه ای، دوروی یک کله

شهلا حائری



شهر بزرگترین دغدغه انسان هایی است که زندگی خود را در چار چوب آن می گذرانند. گذرانی که گاهی باعث کورت خاطر نیز می شود و وضع اسرور تهران طوری است که کورت می آورد و مرا مانده بشیر قهر و نندان تراحت کرده است. ناسامانی های موجود در شهر بر زندگی تکتک ما اثر خود را گذاشته است. اولین موضوعی که مرا تراحت می کند، ساختوساز های بی رویه است که در تمام شهر شاهدش هستیم. عماران این کار با قطع درختان سرسبز شهر، دانه ساختن های سر به فلک کشیده را جایگزین سبزی و زیبایی می کنند. حال اینجاست که هیچ کدام از عماران ساخت و ساز های گسترده شهر، به نیاز مردمی که قرار است در آنها زندگی کنند، توجه ندارد. هیچ کس به اصلی ترین نیاز انسان فکر نمی کند. به این که کسلی که قرار است در آن خانه ها بسند برای تنفس به فضای باز و درخت نیاز دارند. بر روی دیوار که در مورد این ساختوساز ها وجود دارد، فقط به بازدهی و سود ناگهت توجه کرده است. هیچ فکر نمی کند این آدمها چه احساسی دارند که در فرودا چوب کوبان باشیم. اثر شهرداری هر از گاهی چند خرخت این سو و آن سو می کار ما این کار بیشتر دیده میشود. کس که وقتی به محیطش دور دور می کشیم می بینیم وقت می برد خردا بر این زلفاند اگر به دیوان آمده باشد در بافته تانیا این منطقه جزو معدود مکان هایی است که با کوشش های فراوان در حال حفظ بافت قدیمی خویش بود. این مکان اگر در هر جای دیگر دنیا می بود، این را میتوان بخشی از میراث فرهنگی حفظ می کرد. اما در ایران هیچ کس به این مناطق توجه نمی کند.

خود انتقادی

نوشتم: دست نقاد را می بوسم



یحیی نثرینی



نوشته من است، یکی از این اشتباهات آن است که در کتاب تجربه عرفان، بیان با عرفان یکی گرفتارم و نظریات غرابی و مرحوم علامه طباطبائی را برای ارایه این نظریه مورد توجه قرار دادم. اما حالا که به این هم نظر می رسد، به معنی جدید کلمه از جمله دستنورد های تفکری مغرب زمین است. به بیان دیگر در فکر منستی نقد و شرقی نقد به معنی جدید آن وجود نداشت. نقد نوعی اصلاح طلبی و افروزی خواهی است. با این تفاوت که نقد افکار فرد یا فغان مکتب پارسی می کند. با نقد فکری احتمالی موجود در آن بی پروا و در صورت امکان هر صدد رفع خلایق موجود در آن فرد با مکتب کار برد یا وجود نقد حقیقی آن است که بعد از رسیدن به خلایق تفکر موجود و رفت آنها نیز با حد دنبال برهن بشیم. درست به همین خاطر در علومی مثل فیزیک و ریاضی، دانشمندان همیشه دنبال باقیات های جدید هستند. بنابراین هر کسی که با معانی جدید نقد آشنا باشد در جامعه ما کمتر کسی است. حقیقی آن شناسند (این گونه موجود در ایران بسیاری از منتقدان و اهل فغان نقد را و تحقیر و توهین یکس می دانند. به عبارت دیگر، این واژه را بار بار شنیده می گیرند. نقد به معنی تبدیل و جدال نیست. بنابراین هر منتقیری که با تفکر و دیدگاه متفاوتی در مسیر حرکت کنفری قرار گیرد باید او را نقد خوش خواهد بود. از روی من می آید، نقد در ایران باقیات نشده است. به تازگی با نقد خود کلامی که تاکنون نوشته ام، کلامی که با کلامی های نامعقول می آید. نقد معنی متلا اولین کسلی که نوشته ام. نقاد هر زمان، نام دارد. این کتاب بر اشتکال ترین

شارت

طرح آسمان آبی، زمین پاک



اولین موضوعی که مرا تراحت می کند، ساختوساز های بی رویه است که در تمام شهر شاهدش هستیم. عماران این کار با قطع درختان سرسبز شهر، دانه ساختن های سر به فلک کشیده را جایگزین سبزی و زیبایی می کنند. حال اینجاست که هیچ کدام از عماران ساخت و ساز های گسترده شهر، به نیاز مردمی که قرار است در آنها زندگی کنند، توجه ندارد. هیچ کس به اصلی ترین نیاز انسان فکر نمی کند. به این که کسلی که قرار است در آن خانه ها بسند برای تنفس به فضای باز و درخت نیاز دارند. بر روی دیوار که در مورد این ساختوساز ها وجود دارد، فقط به بازدهی و سود ناگهت توجه کرده است. هیچ فکر نمی کند این آدمها چه احساسی دارند که در فرودا چوب کوبان باشیم. اثر شهرداری هر از گاهی چند خرخت این سو و آن سو می کار ما این کار بیشتر دیده میشود. کس که وقتی به محیطش دور دور می کشیم می بینیم وقت می برد خردا بر این زلفاند اگر به دیوان آمده باشد در بافته تانیا این منطقه جزو معدود مکان هایی است که با کوشش های فراوان در حال حفظ بافت قدیمی خویش بود. این مکان اگر در هر جای دیگر دنیا می بود، این را میتوان بخشی از میراث فرهنگی حفظ می کرد. اما در ایران هیچ کس به این مناطق توجه نمی کند.

اولین موضوعی که مرا تراحت می کند، ساختوساز های بی رویه است که در تمام شهر شاهدش هستیم. عماران این کار با قطع درختان سرسبز شهر، دانه ساختن های سر به فلک کشیده را جایگزین سبزی و زیبایی می کنند. حال اینجاست که هیچ کدام از عماران ساخت و ساز های گسترده شهر، به نیاز مردمی که قرار است در آنها زندگی کنند، توجه ندارد. هیچ کس به اصلی ترین نیاز انسان فکر نمی کند. به این که کسلی که قرار است در آن خانه ها بسند برای تنفس به فضای باز و درخت نیاز دارند. بر روی دیوار که در مورد این ساختوساز ها وجود دارد، فقط به بازدهی و سود ناگهت توجه کرده است. هیچ فکر نمی کند این آدمها چه احساسی دارند که در فرودا چوب کوبان باشیم. اثر شهرداری هر از گاهی چند خرخت این سو و آن سو می کار ما این کار بیشتر دیده میشود. کس که وقتی به محیطش دور دور می کشیم می بینیم وقت می برد خردا بر این زلفاند اگر به دیوان آمده باشد در بافته تانیا این منطقه جزو معدود مکان هایی است که با کوشش های فراوان در حال حفظ بافت قدیمی خویش بود. این مکان اگر در هر جای دیگر دنیا می بود، این را میتوان بخشی از میراث فرهنگی حفظ می کرد. اما در ایران هیچ کس به این مناطق توجه نمی کند.